

مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان مسؤولیت‌پذیری در میان نوجوانان شهرهای بانه و قروه

مجید موحد، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

رزگار صالحی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مریم حسینی، پژوهشگر جهاد دانشگاهی فارس

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و مسؤولیت‌پذیری انجام گرفته است. این تحقیق به روش پیمایشی انجام و اطلاعات آن از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه نوجوانان ۱۸-۱۴ سال شهرهای بانه و قروه است که با استفاده از جدول لین و خطای ۴ درصد ۵۹۸ نفر برآورد شدند و در نهایت نمونه مورد نظر، با روش مطبق خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از این پژوهش، حاکی از آن است که مسؤولیت‌پذیری با دینداری و ابعاد مختلف آن (اعتقادی، تجربی، مناسکی، پیامدی) و میزان استفاده از رسانه‌های مختلف، تحصیلات مادر، قومیت، نوع شهر (بانه/ قروه) و نوع مذهب (شیعه/ سنی) رابطه معنادار داشته، با جنسیت (زن/ مرد) و تحصیلات پدر رابطه معناداری ندارد. **واژه‌های کلیدی:** مسؤولیت‌پذیری، دینداری، رسانه‌ها، نوجوانان، شیعه، سنی، بانه، قروه، عوامل فرهنگی

مقدمه و بیان مسأله

چگونگی ایجاد توسعه و پیشرفت، یکی از سؤال‌های اساسی و مهم در ایجاد دگرگونی و تحول تکاملی جوامع بوده و در این راستا همواره بر نقش افراد جامعه در جهت نیل به این هدف تأکید شده است. افراد هر جامعه، همچون پیچ و مهره‌های ماشین اجتماع‌اند که اگر هرکدام در چارچوب خود و بر اساس نقش محول یا محقق کار کنند، چرخ جامعه به بهترین شکل می‌گردد. یکی از ویژگی‌های افراد یک جامعه که به ارتقای آن جامعه کمک می‌نماید، مسئولیت‌پذیری اعضای آن است. انسان به عنوان یک "موجود اجتماعی" باید برای حفظ تعلق خود به جامعه، باتوجه به پیامدهای اعمال و رفتار خود، تکالیف مربوط به نقش‌های اجتماعی خویش را به گونه‌ای انجام دهد تا زندگی ثمربخشی را برای خود و دیگران به همراه داشته باشد.

مسئولیت‌پذیری افراد در هر جامعه‌ای، یکی از ارزش‌های آن جامعه و از شاخص‌های مهم سلامت روان محسوب می‌شود (رضانی دیسفانی، ۱۳۸۰). از مسئولیت‌پذیری تعریف واحدی وجود ندارد و از دیدگاه‌های مختلف، تعاریف گوناگونی ارائه شده است؛ مثلاً از دیدگاه وجودگرایان، مسئولیت‌پذیری به معنای متعلق بودن انتخاب‌ها به خود ما و برخورد صادقانه با آزادی است و در نظریه گشتالت درمانی، مسئولیت‌پذیری یعنی اتکا به توانایی خویش برای انتخاب کردن است (شارف^۱، ۱۳۸۱). گلن و نلسون^۲ (۱۹۸۸) این مفهوم را نوعی احساس عملی در به کارگیری توانایی‌ها و کوشش کردن برای تطابق و سازگاری با مردم تعریف می‌کند. فورد^۳ (۱۹۸۵: ۳۲۵) مسئولیت‌پذیری را هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورده ساختن انتظاراتی می‌داند که جامعه از فرد دارد. البته، برخی هم مسئولیت‌پذیری را با نوعی الزام

اخلاقی همراه می‌دانند (فرامرزی قراملکی و نوچه فلاح، ۱۳۸۶). بر اساس این تعاریف، شخص مسئولیت‌پذیر کسی است که بر اساس عزت نفس خود و با احترام به حقوق دیگران، انتخاب‌ها و دیدگاه‌های خود را ارزیابی نموده، در نهایت پیامدهای اعمال و تصمیماتش را می‌پذیرد (سبحانی نژاد، ۱۳۷۸).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که مسئولیت‌پذیری افراد در هر جامعه موجب تنظیم روابط اجتماعی و انسانی و افزایش نوع دوستی و همدلی می‌شود (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۶؛ مارویاما^۴ و همکاران، ۱۹۸۲) و بر اساس آن، افراد خود را نسبت به هم وابسته احساس کرده، بر مبنای همین احساس وابستگی سرنوشت خود را با دیگران در پیوند می‌بینند، لذا در صورت فقدان مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، احساس بیگانگی نموده، نسبت به سایرین بی تفاوت شده و حتی به راحتی از کنار آسیب‌های اجتماعی موجود می‌گذرند (منزیس^۵ و همکاران، ۲۰۰۰). همچنین، تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که وجود مسئولیت‌پذیری در افراد، می‌تواند در ارتقای امنیت اجتماعی (تریتز^۶، ۲۰۰۵، ایمان و همکاران، ۱۳۸۹)، بهبود عملکردهای اجتماعی و کسب موفقیت‌های تحصیلی آنها، ارتقای سطح سلامت روانی و عزت نفس افراد و خود شکوفایی آنها مؤثر واقع شود (مرگلر^۷ و دیگران، ۲۰۰۷؛ اسکارتی^۸، ۲۰۱۰؛ رنجریان و همکاران، ۱۳۸۴؛ سهیلی، ۱۳۸۷، مرادی و همکاران، ۱۳۹۱). علاوه بر این با تقویت مسئولیت‌پذیری افراد می‌توان بسیاری از انحرافات اجتماعی مانند بزهکاری‌ها، جرایم و مشکلات رفتاری در جامعه را کاهش داد (لیونز^۹، ۲۰۰۵؛ حریری، ۱۳۸۶).

⁴ Maruyama

⁵ Menzies

⁶ Trainer

⁷ Mergler

⁸ Escarti et al.

⁹ Lyons

¹ Sharf

² Glenn & Nelson

³ Ford

انتخاب دو شهر از یک استان در مقایسه با انتخاب یک شهر از استان کردستان و یک شهر از استانی غیر از کردستان این است که با چنین انتخابی احتمال اینکه سایر تفاوت‌های فرهنگی دخیل در این پژوهش به حداقل برسد، بیشتر است. با نزدیک بودن سایر شاخصه‌های فرهنگی این دو شهر بیشتر احتمال دارد که رابطه کسب شده بین قومیت و مذهب و مسؤولیت‌پذیری ناشی از رابطه خود آنها باشد و نه تحت تأثیر سایر متغیرهای فرهنگی. لذا به نظر می‌رسد انتخاب این دو شهر بهتر می‌تواند ما را به اهداف این پژوهش نزدیک نماید.

پیشینه پژوهش

گونو^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیقی با عنوان «دینداری والدین، سبک پدر و مادری، نوجوانان و مسؤولیت‌های اجتماعی»، متغیرهای خود را از طریق نمونه پدران، مادران و نوجوانان ۱۸-۱۰ ساله خانواده‌های طبقه متوسط فقفازی آزمودند. نتایج بررسی نشان داد که هرچه مادران میزان دینداری بالاتری داشته باشند، شیوه فرزند پروری آنها کمتر به شکل اقتدارگرا خواهد بود. مدل معادلات ساختاری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دینداری دیگران و پدران را بر روی مسؤولیت‌پذیری اجتماعی نشان داد.

هترینگتون^۲ و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیقی به بررسی رابطه میان دینداری والدین، سبک فرزند پروری و مسؤولیت اجتماعی جوان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد دینداری به خودی خود در مقایسه با سایر عوامل جمعیتی پیش بینی کننده‌ای برای روش مقتدرانه والدین است. همچنین، دینداری والدین مستقیماً بر مسؤولیت اجتماعی جوان اثر می‌گذارد و سبک مقتدرانه به طور غیرمستقیم بر مسؤولیت

با توجه به نقش مهم مسؤولیت‌پذیری در جامعه که در بالا بدان اشاره شد، تقویت و افزایش حس مسؤولیت‌پذیری افراد اهمیتی دو چندان دارد. در این راستا شناسایی عوامل مرتبط با این مفهوم ضروری به نظر می‌رسد. لذا این سؤال مطرح می‌گردد که چه عواملی با مسؤولیت‌پذیری افراد در ارتباط است؟ از آنجا که مسؤولیت‌پذیری جزو ویژگی‌های اکتسابی افراد به شمار می‌رود، نمی‌توان نقش مهم زمینه و عوامل فرهنگی را در ارتباط با آن نادیده گرفت. بنابراین، پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این نکته و به دلیل گستردگی عوامل مرتبط با مسؤولیت‌پذیری، برای پاسخ به سؤال پژوهش، تنها به عوامل فرهنگی مرتبط با آن می‌پردازد.

مقاله حاضر سعی دارد ضمن بررسی و مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و میزان مسؤولیت‌پذیری در میان نوجوانان شهرهای بانه و قروه، به ارزیابی میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان و اهمیت و قدرت تبیین کنندگی هر یک از عوامل فرهنگی در ارتباط با متغیر مذکور بپردازد.

از آنجا که در این مقاله قصد بر آن است که به مقایسه عوامل فرهنگی مرتبط بر مسؤولیت‌پذیری افراد پرداخته شود، لذا دو شهر بانه و قروه انتخاب شدند که به لحاظ متغیرهای فرهنگی مورد نظر در این تحقیق با هم متفاوت بودند. تفاوت آنها از لحاظ دو شاخص فرهنگی است: اولاً، بانه شهری است که اکثر قریب به اتفاق ساکنان آن را اهل تسنن تشکیل داده‌اند، در حالی که ساکنان شهر قروه هم شامل افراد سنی و هم شامل افراد شیعه هستند؛ ثانیاً بانه از لحاظ ترکیب قومیت یکنواخت تر بوده و بیشتر کرد هستند، در حالی که در شهر قروه، تنوع قومیتی بیشتری به چشم می‌خورد. با توجه به تفاوت این دو شهر از لحاظ این شاخص‌های فرهنگی که در این پژوهش اهمیت دارند، به نظر می‌رسد مقایسه این دو شهر می‌تواند در درک بهتر رابطه عوامل فرهنگی، مفید واقع گردد. علت ترجیح

¹ Marjorie Lindner Gunnoe, E. Mavis Hetherington and David Reiss

² Hetherington

اجتماعی جوان اثر می‌گذارد.

راندولف^۱ و همکاران (۲۰۰۸) به بررسی نقش رفتار نوع دوستانه، توجه همدلانه و انگیزش مسؤولیت اجتماعی در اهدای خون پرداختند. این تحقیق به روش پیمایشی و بر روی ۱۲۰۶۴ نفر از اهدا کنندگان خون انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که اکثر افراد اهدا کننده خون از سطوح بالایی از ویژگی‌های نوع دوستی و مسؤولیت‌پذیری برخوردارند، اما این ویژگی‌ها عوامل اصلی مرتبط با تعداد دفعات اهدای خون نیستند.

سشینی^۲ و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی اثر مسؤولیت‌پذیری در ورزش پرداختند. آنها پژوهش خود را بر روی دانش‌آموزانی از سه مدرسه به شیوه آزمایشی انجام دادند. آنها دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل تشکیل دادند و اثر توسعه مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و فردی بر بازی منصفانه و خودکنترلی بر جوانان را سنجیدند. تحقیق نشان می‌دهد که در گروه‌های آزمایش نسبت به گروه کنترل، در شاخص‌های مسؤولیت اجتماعی و فردی در مورد منش ورزشکاری بهبود ایجاد شد.

ونتزل^۳ (۱۹۹۱) در مقاله‌ای به بررسی رابطه میان مسؤولیت اجتماعی و دسترسی به تحصیلات دانشگاهی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که مسؤولیت اجتماعی می‌تواند فرآیند یادگیری را تسهیل نموده، به وسیله ارتباطات مثبت با همسالان و معلمان روند انجام نقش‌ها را بهبود بخشد.

لیونز (۲۰۰۵) آثار آموزش مسؤولیت‌پذیری را بر کاهش تعصبات نژادی و قومی، باورهای قالبی مخرب و روابط بین و داخل گروهی بررسی کرده است. در این تحقیق نوجوانانی که در آموزشی شرکت کرده بودند، با نوجوانانی که در این برنامه شرکت نداشتند، در آگاهی از تبعیض، رقابت اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و همکاری گروهی مقایسه شدند. نتایج این

تحقیق علاوه بر تأیید تفاوت بین این دو گروه از نظر متغیرهای ذکر شده، در مورد مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، نشان داده است که حداقل تا ۱۰ ماه پس از آموزش، احساس مسؤولیت اجتماعی نوجوانان جهش زیادی یافته است، اما نگه‌داشتن این احساس و تبدیل آن به رفتار به حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی بیشتری نیاز دارد.

ایمان و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی میزان مسؤولیت‌پذیری جوانان در برابر جامعه و ارتباط آن با احساس امنیت اجتماعی در شهر مشهد پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های تحقیق بین مسؤولیت اجتماعی، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تحصیلات جوانان با احساس امنیت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچه مسؤولیت‌پذیری جوانان بیشتر باشد، زمینه رشد و شکوفایی جامعه در نتیجه فراهم شدن امنیت اجتماعی بیشتر می‌شود.

خورشیدی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر نقش الگویی خانواده بر پرورش مسؤولیت‌پذیری، رشد اجتماعی و رشد عاطفی نوجوانان تهرانی پرداختند. در این پژوهش والدین و فرزندان نمونه تحقیق را تشکیل می‌دادند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که بین مسؤولیت‌پذیری والدین (پدر و مادر) و مسؤولیت‌پذیری دختران و پسران نوجوان آنها رابطه معناداری وجود دارد و بین مسؤولیت‌پذیری، رشد اجتماعی و رشد عاطفی نوجوانان پسر با نوجوانان دختر تفاوت وجود دارد.

نتایج پژوهش سهیلی (۱۳۸۷)، نشان داد که، بین مسؤولیت‌پذیری و خود شکوفایی ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارتی، هرچه افراد بیشتر مسؤولیت‌پذیر باشند، به تدریج به سمت خود شکوفایی سوق داده می‌شوند.

سعادت‌ی شامیر و زحمتکش (۱۳۸۵) در تحقیقی به «بررسی تأثیر آموزش راهبردهای ان.ال.پی بر میزان

¹ Randolph

² Cecchini

³ Wentzel

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در فرآیند جهانی شدن پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که دانشجویان از دانش شهروندی بالایی برخوردارند و میانگین مسؤلیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان در حد متوسط و بالاتر از متوسط بوده است. همچنین، تفاوت معناداری بین دانشجویان دختر و پسر در میزان برخورداری از دانش شهروندی و مسؤلیت‌پذیری اجتماعی مشاهده نگردید. نتایج آزمون همبستگی نیز بیانگر وجود رابطه بین دانش شهروندی با مسؤلیت‌پذیری اجتماعی است. مروری بر مطالعات انجام شده، به خوبی نشان‌دهنده آن است که کارهای چندانی در این باب انجام نشده و ما نیازمند تحقیقات گسترده‌تری هستیم. با توجه به اینکه عوامل فرهنگی مانند رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی به رفتارها و نگرش‌های جوانان نقشی مهمی ایفا می‌کنند، اما در تحقیقات انجام شده تقریباً نادیده گرفته شده و یا توجه زیادی به آنها نشده است. لذا با توجه به این کمبودها، در این مقاله سعی شده است تا حدودی به این عوامل پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

نظریات مرتبط با مسؤلیت‌پذیری را می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد: نظریات مرتبط با حوزه مدیریت و اقتصاد، نظریات روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی. در زمینه تئوری‌های مرتبط با اقتصاد و مدیریت می‌توان نظریات کارول^۱، وود^۲، فردریش^۳، برومر^۴ و طبقه‌بندی گاریا و مله^۵ را بررسی کرد. در حوزه نظریات روان‌شناختی می‌توان به نظریه رشد اخلاقی کلبرگ و حوزه در نظریات روان‌شناسی اجتماعی نیز می‌توان به نظریه یادگیری شناختی

سلامت روان و مسؤلیت‌پذیری دانش‌آموزان شهر بجنورد» پرداخته است. تحقیق به دو قسمت پیش‌آزمون و پس‌آزمون تقسیم شد و نتایج تحقیق نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که تحت آموزش‌های ان. ال. پی قرار گرفتند، در مقایسه با گروهی که تحت این آموزش‌ها قرار نگرفتند، در مؤلفه‌های سلامت روان و مسؤلیت‌پذیری وضعیت بهتری کسب کرده‌اند.

کردلو (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «مسؤلیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه»، به بررسی نقش دو نهاد خانواده و مدرسه در شکل‌گیری مسؤلیت‌پذیری می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که لازمه احساس تعلق به وجود آمدن احساس امنیت است و لازمه به وجود آمدن عزت نفس، به وجود آمدن دو نیاز احساس امنیت و احساس تعلق است و نیز لازمه مسؤلیت‌پذیری تأمین احساس امنیت، احساس تعلق و عزت نفس است.

بهتوتی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «مشارکت و مسؤلیت‌پذیری در پرتو فعالیت‌های غیررسمی»، به بررسی تأثیر فعالیت‌های فوق برنامه بر مسؤلیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهر تهران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که احساس مسؤلیت دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های فوق برنامه مشارکت داشتند، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان بیشتر است، به عبارت دیگر، انواع فعالیت‌های فوق برنامه در رشد مسؤلیت‌پذیری تأثیر دارد.

هدایتی و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و مسؤلیت‌پذیری نوجوانان پرداخته‌اند. روش تحقیق، توصیفی و جامعه آماری آن دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر فریدون‌کنار بوده است. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شیوه‌های فرزندپروری بر مسؤلیت‌پذیری نوجوان مؤثر است.

ایزدی و عزیز (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی ضرورت برخورداری دانشجویان از دانش شهروندی و

¹ Carroll, A. B.

² Wood, D.

³ Frederick, W. C.

⁴ Brummer, J.

⁵ Garria & Mele

اجتماعی آلبرت باندورا^۱ اشاره کرد.

(۲۱۶-۲۱۸).

طبقه‌بندی "فردریش" براساس انتقالی مفهومی از مفهوم اخلاقی - فلسفی (به عنوان مسؤلیت‌پذیری ۱) و به مفهوم مدیریتی و عمل‌گرای پاسخگویی اجتماعی (به عنوان مسؤلیت‌پذیری ۲) نام می‌برد و معرفی جهان هستی را به عنوان مرجع اصلی و الزامی برای موضوع‌های اجتماعی در مدیریت معرفی می‌کند (به عنوان مسؤلیت‌پذیری ۳) و در نهایت، نقش علم و دین را در مورد این موضوع‌ها در نظر می‌گیرد (مسؤلیت‌پذیری ۴). «برومر» طبقه‌بندی دیگری در این رابطه انجام داده که در آن براساس تئوری باشش ملاک گروه‌بندی شده‌اند: انگیزش، سود، تصمیمات تحت تأثیر گروهی، نوع کنش، نوع تأثیر و منفعت ایده‌ال). این طبقه‌بندی در قلمرو و حوزه محدود است، زیرا رابطه کار و جامعه در آن بررسی نشده است. (گاریا و مله، ۲۰۰۴: ۵۲-۵۴).

مله و گاریا (۲۰۰۴: ۵۵-۵۳)، براساس این فرض که تئوری‌های مربوط به مسؤلیت‌پذیری جمعی بر روی موضوع‌های زیر تمرکز می‌کنند، این نظریات را به چهار دسته تقسیم کردند: اقتصاد، سیاست، یکپارچگی اجتماعی و اخلاق. این طبقه‌بندی براساس چهار جنبه صورت می‌گیرد که پارسونز درباره سیستم اجتماعی بیان می‌کند: سازش با محیط (اقتصاد)، دستیابی به هدف (سیاست)، یکپارچگی اجتماعی و حفظ الگو (فرهنگ و ارزش‌ها). این فرض به ما اجازه می‌دهد تا این نظریات را در چهار دسته تقسیم بندی کنیم. این تقسیم‌بندی و زیر مجموعه آنها در جدول زیر به صورت مختصر و مفید آمده است.

کارول یکی از نخستین نظریه‌پردازان در زمینه مسؤلیت‌پذیری گروهی است که آن را به چهار دسته تقسیم کرده است: مسؤلیت‌پذیری گروهی اقتصادی، که نوعی مسؤلیت‌پذیری است که ماهیتی اقتصادی دارد و شامل سرمایه‌گذاری، مالکیت، افراد ذی نفع، ایجاد اشتغال، دستمزد مناسب برای کارگران، کشف منابع جدید، ارتقای پیشرفت‌های تکنولوژیک، ابتکار و خلق محصولات و خدمات جدید است. مسؤلیت‌پذیری قانونی و مشروع، شامل اطلاعات مشروع و بازی با قواعد بازی است که در آن تجارت باید مأموریت اقتصادی خود را در چارچوب ملزومات مشروع به وسیله سیستم مشروع انجام دهد. مسؤلیت‌پذیری اخلاقی با یک سری اخلاقیات که شرکت آنها کار خود را پیش می‌برد، بر محدودیت‌های قانون غلبه می‌کند و تجارت را به عنوان امری اخلاقی توصیف می‌کند. مسؤلیت‌پذیری اختیاری، در این عقیده ریشه دارد که جامعه و تجارت به شکلی ارگانیک در هم تنیده شده‌اند (گاریا و مله، ۲۰۰۴: ۵۲، جمالی، ۲۰۰۸: ۲۱۴-۲۱۶).

بر اساس نظریه "وود" می‌توان مسؤلیت‌پذیری را به سه دسته تقسیم نمود: نهادی که برگرفته از تمایلی برای حفظ مشروعیت به عنوان عاملی مسؤول در یک محیط مشترک است، مسؤلیت‌پذیری سازمانی که در آن مسؤلیت‌پذیری جمعی نتایج مربوط به حوزه‌های اولیه و ثانویه اشتغال را شامل می‌شود، مسؤلیت‌پذیری فردی که در آن انتخاب‌های فردی مدیران و مسؤلیت‌پذیری شخصی‌شان و همچنین، تمایلاتشان از اهمیت زیادی برخوردار است. از نظر وود باید سه عامل را برای مسؤلیت‌پذیری در نظر گرفت: محیط، مدیریت افراد ذی نفع و مدیریت مسایل (جمالی، ۲۰۰۸:

¹ Bandura

جدول ۱- نظریه مسؤلیت اجتماعی جمعی و رویکردهای مرتبط در حوزه مدیریت

نوع نظریه	رویکرد	توضیحات
	۱- بیشینه سازی ارزش‌های افراد ذی نفع	بیشینه سازی دراز مدت ارزش‌ها
ابزاری (دستیابی به اهداف اقتصادی از طریق فعالیت‌های اجتماعی)	۲- راهکار ویژگی‌های رقابتی	- سرمایه‌گذاری اجتماعی در چارچوب رقابت - استراتژی‌هایی که براساس دیدگاه منابع طبیعی و توانایی‌های دینامیک شرکت - استراتژی‌های قسمت پایین هرم اقتصادی
سیاسی (تأکید بر استفاده مسؤولانه از قدرت تجارت در عرصه سیاسی)	۳- بازاریابی علی ۱- مشروطه خواهی جمعی	فعالیت‌های نوع دوستانه به عنوان ابزاری برای بازاریابی مسؤولیت اجتماعی تجارت از مقدار قدرت اجتماعی که آنها دارند، به وجود می‌آید فرض می‌کند که بین جامعه و تجارت رابطه وجود دارد
یکپارچگی (تأکید بر یکپارچگی تقاضای اجتماعی)	۲- تئوری قرارداد اجتماعی یکپارچه ۳- شهروندی جمعی ۱- مسائل مربوط به مدیریت	شرکت به عنوان یک شهروند در نظر گرفته می‌شود فرآیندهای جمعی پاسخگویی به مسائل سیاسی اجتماعی که بر آنها تأثیر دارند قانون و فرآیند موجود سیاست‌های عمومی به عنوان مرجعی برای عملکرد اجتماعی ایجاد تعادل و توازن در منافع افراد ذی نفع جستجو برای فرآیندها و مشروعیت اجتماعی برای پاسخ دادن به مسائل اجتماعی
اخلاقی (تأکید بر کارهای درست برای دستیابی به یک جامعه خوب)	۳- مدیریت افراد ذی نفع ۴- عملکرد اجتماعی جمعی	در نظر گرفتن وظایف امنیتی نسبت به افراد ذی نفع شرکت‌ها که استفاده از آن به اشاره به برخی نظریات اخلاقی نیاز دارد چارچوب‌هایی که براساس حقوق بشر، حقوق کار و احترام به محیط استوار است تأکید بر دستیابی به توسعه انسانی با توجه به نسل‌های حال و آینده تمایل به منافع مشترک جامعه
	۱- تئوری هنجاری افراد ذی نفع ۲- حقوق جهانی ۳- توسعه پایدار ۴- رویکرد رایج	

می‌کنند، به ویژه در رابطه با جامعه و مسؤولیت‌پذیری آن در مبادین سیاسی و این باعث می‌شود تا شرکت وظایف اجتماعی و حقوق اجتماعی را بپذیرد. این گروه نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند: مشروطه خواهی جمعی^۲، تئوری قرارداد اجتماعی یکپارچه^۳ و شهروندی جمعی^۴. دسته سوم از تئوری‌ها به تئوری‌های یکپارچگی مربوط می‌شوند، که در آنها تجارت باید خواسته‌های اجتماعی را یکپارچه کند.

تجارت برای ادامه رشد و وجود خود باید به جامعه وابسته باشد. این دسته به چهار زیر گروه تقسیم

دسته اول به تئوری‌های ابزاری مربوط می‌شوند که در آن شرکت وسیله‌ای برای ایجاد ثروت است و این تنها مسؤولیت اجتماعی آن است. تنها جنبه اقتصادی کنش متقابل بین تجارت و جامعه مورد نظر است. پس هر فعالیت اجتماعی در صورت ایجاد ثروت مورد قبول است. به این دلیل به این دسته ابزاری گفته می‌شود که آنها مسؤولیت‌پذیری جمعی را به عنوان ابزاری محض برای نهایت سود درک می‌کنند. این گروه به سه دسته تقسیم می‌شوند: بیشینه‌سازی ارزش‌های افراد ذی نفع، راهکار ویژگی‌های رقابتی و بازاریابی علی^۱.

تئوری‌های سیاسی، بر قدرت سیاسی شرکت تأکید

² Corporate constitutionalism

³ Integrative social contract theory

⁴ Corporate citizenship

¹ Causal Marketing

فرآیندهای شناختی فرد نیز تعیین می‌شود؛ یعنی شناخت رابطه بین عمل و نتیجه آن و آگاهی از موقعیت‌ها و شرایطی که موجب تقویت آن می‌شود (بندورا و والترز،^۶ ۱۹۶۴).

بندورا معتقد است فرد در جریان مداومی قرار می‌گیرد که در طی آن رفتارهای جدید آموخته می‌شود و رفتارهای موجود نیز با توجه به تأثیرات الگوهای واقعی^۷ یا الگوهای مصداقی^۸ و الگوهای نمادین^۹ تغییر می‌کند. از نظر بندورا، یادگیری از طریق الگوهای واقعی (معمولاً والدین، خانواده و...) در جامعه صورت می‌گیرد. در تربیت فرزندان به استفاده والدین از الگوهای مصداقی توجه زیادی شده است. وی همچنین معتقد است هر چند الگوهای واقعی نقش مهمی در یادگیری ایفا می‌کنند، امروزه با توجه به گسترش تکنولوژی و وسایل صوتی و ارتباطات گسترده، الگوهای نمادین بیشتر استفاده می‌شوند. الگوهای نمادین از طریق آموزش‌های کلامی و نوشتاری یا به صورت تصویری و یا از طریق ترکیب کلام و تصویر بر مشاهده‌کننده تأثیر می‌گذارند. درحقیقت، امروزه وسایل ارتباط جمعی به علت زمان زیادی که بیشتر جوانان به تماشای آنها اختصاص می‌دهند، منبع بسیار مهمی در آرایه الگوهای رفتار اجتماعی هستند. این الگوها نقش مهمی در شکل دادن رفتار و تغییر هنجارهای اجتماعی و نوع رفتار دارند (بندورا و والترز، ۱۹۶۴).

در نظریه بندورا به علت وجود رابطه متقابل بین فرد، رفتار فرد و محیط و با توجه به ظرفیت‌های انسان (ظرفیت‌های شناختی)، فرد می‌تواند درباره رفتار دیگران بیندیشد و آنها را ارزیابی کند و سپس با توجه به حق انتخابی که دارد، برای اطرافیانش رضایت‌مندی ایجاد کند. با توجه به نقش مهم فرد در جامعه‌پذیری و

می‌شود: مسائل مربوط به مدیریت، اصول مسئولیت‌پذیری جمعی^۱، مدیریت افراد ذی نفع و عملکرد اجتماعی جمعی^۲.

گروه آخر از تئوری‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حوزه مدیریت، تئوری‌های اخلاقی و دینی هستند که بر الزامات اخلاقی در رابطه بین تجارت و جامعه تأکید دارند. در این الزامات اصولی وجود دارد که انجام آنچه را درست و ضروری است، را بیان می‌کنند. این گروه به چهار دسته تقسیم می‌شوند: تئوری هنجاری فرد ذی نفع^۳، حقوق جهانی، توسعه پایدار و رویکرد رایج. توضیح هر کدام از این موارد در جدول زیر آمده است.

در نظریه رشد اخلاقی کلبرگ با سه سطح از قضاوت اخلاقی روبه‌رو هستیم: پیش‌عرف، متعارف و پس‌عرف. در سطح اول قضاوت کودکان بیشتر مبتنی بر اجتناب از مجازات و یا کسب پاداش است. در سطح دوم تأکید بر نیاز است. در این سطح که خود شامل دو مرحله است، در مرحله دوم فرد مسئولیت‌پذیری را می‌آموزد. رسیدن به سطح سوم نشان‌دهنده اخلاق واقعی است. وی این سطح را در اولویت اول و سپس جامعه را در اولویت دوم قرار می‌دهد. در این مرحله، فرد خود اصولی را انتخاب کرده، به آن پایبند است (اسلوتی^۴، ۲۰۱۰: ۱۲۹-۱۳۱).

در نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا، به عوامل محیطی و همچنین فرآیندهای شناختی^۵ که عمل را هدایت و تنظیم می‌کنند، توجه خاصی شده است (بندورا، ۱۹۷۳). از نظر بندورا میزان زیادی از رفتار خوب، بد، بهنجار و نابهنجار، یا از طریق تجربه مستقیم یا با مشاهده رفتار دیگران به دست می‌آید. البته، رفتاری که تولید می‌شود، نه تنها تحت تأثیر این محرک‌های خارجی است، بلکه تا اندازه‌ای تحت تأثیر

¹ The principle of public responsibility

² Corporate social performance

³ Normative stakeholder theory

⁴ Slote

⁵ Cognitive Processes

⁶ Bandura, A. & Walters,

⁷ Real-Life Models

⁸ Exemplary models

⁹ Symbolic modeling

- دو شهر بانه و قروه تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات والدین پاسخگویان و مسؤولیت‌پذیری آنها در دو شهر بانه و قروه رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان دینداری پاسخگویان در ابعاد مختلف (شامل اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی) و مسؤولیت‌پذیری آنها در دو شهر بانه و قروه رابطه معناداری وجود دارد.
- بین میزان استفاده پاسخگویان از انواع رسانه‌ها و مسؤولیت‌پذیری آنها در دو شهر بانه و قروه رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

رویکرد مورد استفاده در این تحقیق، کمی و روش مورد استفاده نیز روش پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان ۱۴-۱۸ ساله ساکن در شهرهای بانه و قروه بوده‌اند. با توجه به حجم جامعه آماری و بر اساس جدول لین^۲ (۱۹۷۶) و خطای ۴ درصد، حجم نمونه، ۵۹۸ نفر برآورد گردیده که به تناسب تعداد نوجوانان هر شهر، به ترتیب تعداد ۳۳۹ و ۲۵۸ نفر از نوجوانان ساکن شهرهای بانه و قروه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری، مطابق خوشه‌ای بوده است. در این پژوهش، متغیر وابسته میزان مسؤولیت‌پذیری است که با پرسشنامه نئو^۳ (۱۹۹۲) سنجیده شده است. این پرسشنامه که فرم کوتاه آن از ۶۰ سؤال تشکیل شده، پنج عامل شخصیتی را می‌سنجد که هر عامل از ۱۲ پرسش تشکیل شده است. یکی از این ابعاد ۱۲ گویه‌ای مسؤولیت‌پذیری است (گوستاو و مک‌گری، ۱۹۹۲؛ به نقل از انیسی و همکاران، ۱۳۹۰) که در این مقاله از آن استفاده

درونی شدن هنجارها، وی نسبت به دیگران تعهد نشان می‌دهد. در این نظریه بر نقش دین و رسانه‌های جمعی تأکید بسیاری می‌شود (بتز^۱، ۲۰۰۷: ۴۲۲-۴۰۳). بنابراین، با توجه به مطالب ارائه شده، به نظر می‌رسد نظریه بندورا در حوزه روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند چارچوب نظری مناسبتری برای رسیدن به اهداف این پژوهش فراهم آورد. بر اساس این نظریه می‌توان گفت که مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، رفتاری یادگرفته است که فرد تحت تأثیر الگوهای واقعی یا الگوهای مصداقی و الگوهای نمادین این رفتار را آموخته است و یا در آن تجدید نظر می‌کند. دین و رسانه به عنوان مهمترین الگوهای مطرح شده در این باب می‌توانند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در یادگیری و یا عدم یادگیری این رفتار داشته باشند. دین الگویی است که مبلغ مسؤولیت‌پذیری افراد در سطوح مختلف است و رسانه‌ها نیز الگوهای نمادینی هستند که نقش مهم آنها در جامعه‌پذیری جوانان و نوجوانان امروزی انکارناشدنی است، به همین علت، در این پژوهش بر آنها تأکید خاص می‌شود و ارتباط آنها با میزان مسؤولیت‌پذیری جوانان مطالعه می‌شود. از سوی دیگر، از آنجا که محیط اجتماعی و عوامل زمینه‌ای نیز در جامعه‌پذیری افراد نقش ایفا می‌کنند، این متغیرها نیز از نظر دور نمانده و در این مقاله لحاظ شده‌اند.

لذا برای دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به چارچوب نظری موجود، فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

- بین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان در دو شهر بانه و قروه تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان کرد و غیرکرد تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان دختر و پسر در دو شهر بانه و قروه تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان شیعه و سنی در

² Lin

³ NEO

⁴ Costa PTJR, McCrae

¹ Betz

نترسیدن مؤمن از مرگ و... در نظر گرفته شده است. این متغیر توسط شش گویه سنجیده می‌شود. بعد مناسبی شامل یک سری اعمال دینی خاص است که پیروان یک دین انجام می‌دهند. این بعد شامل شاخص‌هایی، نظیر: روزه گرفتن، نماز خواندن، حضور در مساجد و... است. این متغیر توسط نه گویه سنجیده می‌شود. بعد پیامدی به تأثیر باورها، تجارب، اعمال دینی بر روی پیروان یک آیین اشاره دارد و رابطه فرد با دیگران را نیز متأثر می‌سازد. این بعد شامل شاخص‌هایی نظیر رعایت امر به معروف و نهی از منکر، لزوم رعایت حجاب اسلامی، حرمت رباخواری، رابطه با جنس مخالف و... است. این متغیر با هفت گویه سنجیده می‌شود.

همچنین، برای سنجش رسانه‌ها میزان استفاده پاسخگویان از انواع مختلف رسانه‌ها شامل تلویزیون (شبکه استانی و شبکه سراسری)، رادیو (داخلی، خارجی)، روزنامه و مجلات، ماهواره، اینترنت و... پرسیده شده است و در نهایت در تجزیه و تحلیل، رسانه‌ها در دو گروه رسانه‌های جمعی (شامل رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات و...) و رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی جدید (شامل ماهواره، اینترنت و...) بررسی شده‌اند. برای سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. اعتبار^۲ ابزار سنجش، اعتبار صوری بوده و روایی^۳ آن با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است. ضریب آلفای کرونباخ کسب شده برای متغیرهای مستقل و وابسته به تفکیک، در جدول ۲ آمده است.

شده است. فرم کوتاه شده این آزمون در تحقیقات مختلف استفاده شده و اعتبار و روایی قابل قبولی را در مطالعات نشان داده است (گروسی، ۱۳۸۰، انیسی و همکاران، ۱۳۹۰). برای سنجش میزان دینداری، یکی از متغیرهای مستقل تحقیق، از پرسشنامه دینداری گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) که ابعاد مختلف دینداری (شامل بعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی) را می‌سنجد، استفاده شده است. این پرسشنامه یکی از پرسشنامه‌های معروف در این زمینه است که محققان بارها از آن استفاده کرده و پایایی و روایی آن را تأیید کرده‌اند. بر اساس مدل گلاک و استارک پرسشنامه‌های مختلفی با تعداد سؤال‌های متفاوت توسط محققان طراحی شده که در این پژوهش از مقیاسی ۳۲ سؤالی که موحد و دلبری (۱۳۸۳) در پژوهش خود طراحی کردند، استفاده شده است. این پرسشنامه در پژوهش مذکور نیز روایی و پایایی بالا و قابل قبولی را نشان داده است. گلاک و استارک (۱۹۶۵: ۲۱-۲۰) معتقدند که در همه ادیان ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات آنها وجود دارد، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دینداری در آن متجلی می‌شود. این عرصه‌ها شامل ابعاد چهارگانه دینداری است که عبارتند از: ابعاد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی. بعد اعتقادی (باورهایی که انتظار می‌رود مؤمنان به آنها اعتقاد داشته باشند)، شامل اعتقادات خاص به جا مانده از پیروان یک دین است که شخص دینی باید آنها را بپذیرد. برای این بعد شاخص‌هایی نظیر باور به: وجود خداوند، وجود شیطان، وجود فرشتگان، قیامت و... در نظر گرفته شده است. این متغیر توسط ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده می‌شود. بعد عاطفی به درک و آگاهی مستقیم از واقعیت غایی و عواطف و احساسات دینی برمی‌گردد. برای این بعد از شاخص‌هایی، نظیر: احساس دوری و نزدیکی به خداوند، احساس توبه و دوری از گناه،

¹ Glock and Stark

² Validity

³ Reliability

جدول ۲- نتیجه آزمون پایایی متغیرهای وابسته و مستقل و چگونگی توزیع آنها

مقیاس	ضریب حدافل حداکثر میانگین انحراف	توزیع درصد نمره کل		
		پایین	متوسط	بالا
دینداری (بعد اعتقادی)	۰/۸۲	۱۳	۳۵	۳۰/۵۰
دینداری (بعد تجربی)	۰/۷۵	۸	۲۵	۲۱/۴۹
دینداری (بعد مناسکی)	۰/۷۶	۹	۴۵	۲۴/۱۱
دینداری (بعد پیامدی)	۰/۷۲	۸	۳۶	۱۹/۵۲
دینداری (کل)	۰/۹۰	۳۴	۱۲۲	۶۸
میزان استفاده از رسانه‌ها	-	۰	۳۹	۱۹/۳۴
مسؤولیت‌پذیری	۰/۸۰	۲۵	۶۰	۴۶/۵۶

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، این پژوهش بر روی دو شهر استان کردستان (بانه و قروه) انجام گردیده است. علت انتخاب این دو شهر، پیشتر توضیح داده شده است. برای پاسخگویی به این پرسش که آیا میانگین نمره‌های مسؤولیت‌پذیری در این دو شهر با هم متفاوت است یا نه، از آزمون تفاوت میانگین‌ها یا t مستقل^۲ استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میانگین مسؤولیت‌پذیری نوجوانان در شهر بانه نسبت به شهر قروه، بیشتر است. مقدار t و سطح معنی‌داری، وجود تفاوت میانگین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان در این دو شهر را تأیید می‌نماید. لذا فرضیه اول تأیید می‌شود.

در جدول ۲، علاوه بر نمایش ضریب آلفای کرونباخ، چگونگی توزیع متغیرهای مستقل و وابسته بر اساس شاخص‌های ترکیبی^۱ آمده است. بر اساس ارقام جدول مذکور، ۱۶/۷ درصد پاسخگویان مسؤولیت‌پذیری بالا، ۶۶/۱ درصد مسؤولیت‌پذیری متوسط و ۱۷/۲ درصد مسؤولیت‌پذیری پایین دارند. در مورد میزان استفاده از رسانه‌ها، ۱۴/۹ درصد به میزان پایین، ۶۹/۲ درصد به میزان متوسط و ۱۵/۹ درصد پاسخگویان به میزان زیاد از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. در میان ابعاد مختلف دینداری، ۸۵ درصد نوجوانان در بعد اعتقادی، ۸۲/۶ درصد در بعد تجربی، ۸۶/۹ درصد در بعد مناسکی و ۶۷/۹ درصد در بعد پیامدی دارای میزان دینداری متوسط و بالاتر از آن هستند و در مجموع حدود ۸۵/۱ درصد آنها دارای میزان دینداری متوسط و بالا هستند.

^۱ برای ساختن شاخص‌های ترکیبی از فرمول زیر استفاده شده است:

$$\text{انحراف معیار} + \text{میانگین نمرات} = \text{حد متوسط}$$

$$\text{انحراف معیار} + \text{بالاتر از میانگین} = \text{حد بالا}$$

$$\text{انحراف معیار} - \text{پایین‌تر از میانگین} = \text{حد پایین}$$

^۲ Independent-sample T Test

جدول ۳- آزمون مقایسه تفاوت میانگین مسؤولیت پذیری نوجوانان بر حسب شهر محل سکونت

متغیر وابسته	شهر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون		t	سطح معناداری
					F	sig		
مسؤولیت پذیری	بانه	۳۳۹	۴۷/۷۸	۵/۷۲	۱۳/۲۷	۰/۰۰	-۴/۰۴	۰/۰۰۰
	قروه	۲۵۸	۴۵/۶۲	۶/۶۵				

جدول ۴، نتایج آزمون مقایسه تفاوت میانگین میزان مسؤولیت پذیری نوجوانان را بر حسب قومیت نشان می‌دهد. با توجه به آنکه همگی افراد نمونه در شهر بانه، کرد بودند، در بررسی قومیت، تفکیک دو شهر رعایت نشده است. با توجه به نتایج کسب شده،

تفاوت میزان مسؤولیت پذیری نوجوان کرد و غیر کرد از لحاظ آماری معنادار بوده و بنابراین فرضیه دوم این پژوهش نیز تأیید می‌شود. با توجه به تفاوت میانگین‌ها، نوجوانان کرد نسبت به نوجوانان غیر کرد، مسؤولیت‌پذیری بالاتری دارند.

جدول ۴- آزمون مقایسه تفاوت میانگین مسؤولیت پذیری نوجوانان بر حسب قومیت

متغیر وابسته	قومیت	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون		t	سطح معناداری
					F	sig		
مسؤولیت پذیری	کرد	۵۳۳	۴۶/۹۰	۶/۵۶	۱/۴۲	۰/۲۳	۳/۷۸	۰/۰۰۰
	غیر کرد	۶۴	۴۳/۶۷	۵/۵۹				

جدول ۵، نتایج آزمون مقایسه تفاوت میانگین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان دختر و پسر را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۵ آمده است، مقدار t و سطح معنی‌داری، حاکی از فقدان

تفاوت معنی‌دار بین میانگین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان دختر و پسر، در این دو شهر است. لذا فرضیه سوم رد می‌گردد.

جدول ۵- آزمون مقایسه تفاوت میانگین مسؤولیت پذیری نوجوانان بر حسب جنسیت به تفکیک شهر

متغیر وابسته	شهر	جنس	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون		t	سطح معناداری
						F	sig		
مسؤولیت‌پذیری	بانه	مرد	۱۶۶	۴۷/۶۷	۵/۷۴	۰/۸۷	۰/۰۲۴	-۰/۴۱	۰/۶۸
		زن	۹۲	۴۷/۹۷	۵/۷۰				
	قروه	مرد	۲۰۵	۴۵/۶۲	۷/۲۰	۰/۲۱	۱/۵۹	-۰/۰۱۹	۰/۹۸
		زن	۱۳۴	۴۵/۶۳	۶/۵۸				

جدول ۶، نتایج آزمون مقایسه تفاوت میانگین میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان شیعه و سنی را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. در این جدول نیز به دلیل آنکه شهر

بانه تقریباً همگی سنی بودند، تفکیک شهر رعایت نشده است. میانگین مسؤولیت‌پذیری در بین شیعیان ۴۵/۳۷ و در بین اهل تسنن ۴۷/۱۴ است. همان‌طور که ملاحظه

مسؤلیت‌پذیری نوجوانان شیعه و سنی است. لذا فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

می‌شود، این میزان در بین اهل تسنن بالاتر است. با توجه به ارقام ذکر شده، مقدار t و سطح معناداری، نشان دهنده وجود تفاوت معنی‌داری بین میانگین میزان

جدول ۶- آزمون مقایسه تفاوت میانگین مسؤلیت‌پذیری نوجوانان بر حسب نوع مذهب به تفکیک شهر

متغیر وابسته	مذهب	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	معناداری آزمون Levent F sig	t	سطح معناداری
مسؤلیت‌پذیری	شیعه	۱۹۷	۴۵/۳۷	۶/۶۶	۱/۲۴	-۲/۹۳	۰/۰۰۴
	سنی	۴۰۰	۴۷/۱۴	۶/۴۰	۰/۲۶		

مسؤلیت‌پذیری نوجوانان در هر دو شهر رد شده است. به عبارت دیگر، بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد.

جدول ۷، نتایج آزمون رابطه بین میزان تحصیلات پدر با میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. با توجه به مقدار t و سطح معنی‌داری، رابطه بین میزان تحصیلات پدر با میزان

جدول ۷- آزمون رابطه بین میزان تحصیلات پدر با میزان مسؤلیت‌پذیری به تفکیک شهر

متغیر	شهر	R	R ²	Adj. R ²	S.D	B	Beta	T	F	Sig
تحصیلات	بانه	۰/۰۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸	-۰/۰۸	-۰/۰۶	-۱/۰۱	۱/۰۳	۰/۳۱۱
پدر	قروه	۰/۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۸	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۱/۲۸	۱/۶۵	۰/۲۰

میزان تحصیلات مادر با میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان در شهر قروه تأیید و در شهر بانه رد شده است. لذا فرضیه پنجم تنها در مورد نوجوانان شهر قروه تأیید می‌گردد.

جدول ۸، نتایج آزمون رابطه بین میزان تحصیلات مادر با میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. با توجه به جدول ۸، مقدار t و سطح معنی‌داری، نشان دهنده آن است که رابطه بین

جدول ۸- آزمون رابطه بین میزان تحصیلات مادر با میزان مسؤلیت‌پذیری به تفکیک شهر

متغیر	شهر	R	R ²	Adj. R ²	S.D	B	Beta	T	F	Sig
تحصیلات	بانه	۰/۰۵	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۰۹	-۰/۰۷	-۰/۰۵	-۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۴۵
مادر	قروه	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۲۳	۰/۰۹	-۰/۲۵	-۰/۱۶	-۲/۸۷	۸/۲۳	۰/۰۰۴

متغیرهای مذکور از رگرسیون تک متغیره استفاده شده است. بعد اعتقادی دینداری، نخستین متغیری است که آزمون می‌شود. این بعد از دینداری با میزان

جدول ۹، نتایج آزمون رابطه بین میزان دینداری و ابعاد مختلف آن با میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. برای بررسی رابطه بین

پیامدی است. نتایج جداول ۹، نشان می‌دهد که این بعد از دینداری توانسته است ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را در شهر بانه و ۲۰ درصد آن را در شهر قروه تبیین نماید. بنابراین، قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر برای متغیر وابسته در شهر قروه قویتر است. با توجه به مقدار مثبت بتا می‌توان گفت هرچه بعد پیامدی دینداری قویتر باشد، میزان مسؤلیت‌پذیری نیز بیشتر می‌گردد. مقدار F و سطح معناداری نشان می‌دهد که این بعد از دینداری با متغیر وابسته در هر دو شهر در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه ای معنی‌دار دارد. میزان کل دینداری پاسخگویان متغیر دیگری است که بررسی شده است. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیر میزان دینداری توانسته است به ترتیب در شهرهای بانه و قروه ۱۹ و ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید. با توجه به مثبت بودن ضریب بتا رابطه میان دو متغیر مستقیم است. مقدار F و سطح معنی‌داری در هر دو شهر نشان‌دهنده آن است که رابطه بین میزان دینداری با متغیر وابسته در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین، با توجه به نتایج کسب شده در جدول ۹، به طور کلی می‌توان گفت که بین میزان دینداری و ابعاد مختلف آن با مسؤلیت‌پذیری رابطه معناداری وجود دارد. مقایسه میزان قدرت تبیین‌کنندگی دینداری و ابعاد آن برای مسؤلیت‌پذیری در دو شهر بانه و قروه نشان می‌دهد که این متغیر در شهر قروه میزان تبیین‌کنندگی بالاتری برای متغیر وابسته دارد.

مسؤلیت‌پذیری در شهر بانه ۰/۳۲ و در شهر قروه ۰/۳۸ همبستگی دارد. این میزان‌ها نشان‌دهنده همبستگی پایین این بعد از دینداری با متغیر وابسته است. میزان قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر برای میزان مسؤلیت‌پذیری در شهرهای بانه و قروه، به ترتیب برابر با ۱۰ و ۱۴ درصد است. مقدار مثبت بتا در هر دو آزمون، نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این متغیرهاست. همچنین ارقام موجود در جدول، حاکی از وجود رابطه معنی‌دار آماری میان این متغیرهاست.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بعد دوم دینداری؛ یعنی بعد تجربی با میزان مسؤلیت‌پذیری در شهر بانه و قروه نشان‌دهنده معنادار بودن رابطه بین این متغیرها در هر دو شهر است. جهت این رابطه نیز مثبت است؛ یعنی با بالا رفتن میزان بعد تجربی دینداری، به میزان مسؤلیت‌پذیری افراد افزوده می‌شود. میزان قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر برای میزان مسؤلیت‌پذیری در شهرهای بانه و قروه به ترتیب برابر با ۱۳ و ۲۲ درصد است. مقدار F و سطح معنی‌داری حاصل از آزمون رابطه بعد بعدی دینداری؛ یعنی بعد مناسکی با میزان مسؤلیت‌پذیری حاکی از آن است که رابطه مذکور نیز در سطح ۹۹ درصد اطمینان در هر دو شهر معنادار است. مقدار مثبت بتا در هر دو شهر، نشان می‌دهد که هرچه پایبندی نوجوانان به مناسک دینی قویتر باشد، میزان مسؤلیت‌پذیری آنها نیز بیشتر است. میزان قدرت تبیین‌کنندگی این متغیر برای متغیر وابسته در شهرهای بانه و قروه به ترتیب برابر با ۱۳ و ۱۶ درصد است.

آخرین بعد دینداری که آزمون قرار می‌شود، بعد

جدول ۹- آزمون رابطه بین میزان دینداری و ابعاد آن با میزان مسؤلیت‌پذیری به تفکیک شهر

متغیرهای مستقل	شهر	R	R ²	Adj. R ²	S.D	B	Beta	T	F	معناداری
بعد اعتقادی دینداری	بانه	۰/۳۲	۰/۱	۰/۰۹۷	۰/۰۹	۰/۵۱	۰/۳۲	۵/۳۴	۲۸/۵۶	۰/۰۰۰
	قروه	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۵۴	۰/۳۸	۷/۵۳	۵۶/۷۲	۰/۰۰۰
بعد تجربی دینداری	بانه	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۱۲۴	۰/۷۷	۰/۳۶	۶/۲۴	۳۹	۰/۰۰۰
	قروه	۰/۴۷	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۰۹۰	۰/۸۷	۰/۴۶	۹/۶۳	۹۲/۷۴	۰/۰۰۰
بعد مناسکی دینداری	بانه	۰/۳۵	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۵۸	۰/۳۵	۰/۳۵	۶/۰۷	۳۶/۸۴	۰/۰۰۰
	قروه	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۰۵۶	۰/۴۴	۰/۳۹	۷/۹۰	۶۲/۳۹	۰/۰۰۰
بعد پیامدی دینداری	بانه	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۶۵	۰/۳۲	۰/۲۹	۴/۸۵	۲۳/۵۹	۰/۰۰۰
	قروه	۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۲۰	۰/۰۵۸	۰/۵۳	۰/۴۵	۹/۲۶	۸۵/۷۰	۰/۰۰۰
دینداری کل	بانه	۰/۴۴	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۲۳	۰/۴۴	۷/۸۶	۶۱/۷۲	۰/۰۰۰
	قروه	۰/۵۵	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۰۲۳	۰/۲۷	۰/۵۵	۱۲/۱۴	۱۴۷/۳۱	۰/۰۰۰

هر دو شهر بانه و قروه تأیید شده، در حالی که رابطه میزان استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و با متغیر وابسته در هر دو شهر معنادار نشده است. نتایج بررسی در مورد مجموع رسانه‌ها نیز نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار بین میزان استفاده از مجموع رسانه‌ها و میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان در هر دو شهر بانه و قروه است. رسانه‌ها در مجموع ۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را در شهر بانه و ۴ درصد آن را در شهر قروه تبیین می‌نمایند.

جدول ۱۰، نتایج آزمون رابطه بین میزان استفاده از انواع رسانه‌ها با میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان را به تفکیک شهر نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، انواع رسانه‌ها در دو گروه رسانه‌های جمعی (شامل تلویزیون، رادیو، روزنامه و مجلات و...) و رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید (شامل اینترنت، ماهواره و...) بررسی شده است. با توجه به ارقام کسب شده، رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و میزان مسؤلیت‌پذیری نوجوانان در

جدول ۱۰- رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌ها و انواع آن با میزان مسؤلیت‌پذیری به تفکیک شهر

وابسته	مستقل	شهر	R	R ²	Adj. R ²	S.D	B	Beta	T	F	Sig
مجموع رسانه‌های جمعی	رسانه‌های جمعی	بانه	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۱۳	۰/۳۴	۰/۱۹	۳/۰۲	۹/۰۹	۰/۰۰۳
		قروه	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۱۱۴	۰/۴۲	۰/۲۰	۳/۶۷	۱۳/۵۰	۰/۰۰۰
مسؤلیت‌پذیری	فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید	بانه	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۲۲	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۷۳
		قروه	۰/۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۷	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۱۰	۱/۸۰	۳/۲۴	۰/۰۷
رسانه‌ها کل	رسانه‌ها کل	بانه	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۶	۰/۱۶	۲/۶۰	۶/۷۶	۰/۰۱
		قروه	۰/۲۰	۰/۰۴	۰/۰۴	۱/۰۱	۰/۱۸	۰/۲۰	۳/۷۱	۱۳/۷۵	۰/۰۰۰

استفاده از رسانه‌ها باقی ماندند که این دو متغیر نیز توانسته‌اند در مجموع ۲۹ درصد متغیرات وابسته را تبیین نمایند. به عبارت دیگر، ۲۹ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط عوامل فرهنگی ذکر شده، قابل تبیین است. مقادیر به دست آمده برای بتا (جدول ۱۰) بیانگر آن است که هر دو متغیر وارد شده با این متغیر وابسته رابطه مستقیم و مثبت دارند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از میان این دو متغیر، میزان دینداری بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی را برای متغیر میزان مسئولیت‌پذیری دارد. بنابراین، میزان دینداری می‌تواند نقش مهمی در ارتباط با تقویت میزان مسئولیت‌پذیری در میان نوجوانان ایفا نماید.

برای بررسی این مسأله که از بین عوامل فرهنگی مورد بررسی در این پژوهش کدامیک پیش‌بینی‌کننده قویتری برای میزان مسئولیت‌پذیری هستند، از روش رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده گردیده است. جدول ۱۱، نشان دهنده تحلیل گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته است. در شهر بانه از میان متغیرهایی که وارد این معادله شدند، دو متغیر میزان دینداری و میزان استفاده از رسانه‌ها در معادله باقی ماندند که این دو متغیر ۱۷/۳ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین نمودند. در شهر قروه تنها متغیر دینداری در معادله باقی مانده که ۲۲/۷ درصد واریانس را تبیین کرده است. در کل نمونه از میان متغیرهایی که وارد این معادله شدند، دو متغیر میزان دینداری و میزان

جدول ۱۱- تحلیل چند متغیره گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته مسئولیت‌پذیری به تفکیک شهر

شهر	گام	متغیر وارد شده	R	R ²	R ² _{Ad}	خطای استاندارد	B	Beta	مقدار t	سطح معناداری
بانه	۱	میزان دینداری	۰/۳۷	۰/۱۴۱	۰/۱۴	۰/۰۲۳	۰/۱۴۸	۰/۳۷۴	۶/۴۰	۰/۰۰۰
	۲	رسانه‌ها	۰/۴۲	۰/۱۷۳	۰/۱۶۷	۰/۷۱۵	۲/۲۰	۰/۱۸۰	۳/۰۷	۰/۰۰۲
قروه	۱	میزان دینداری	۰/۴۸	۰/۲۲۷	۰/۲۲۵	۰/۰۲۱	۰/۱۹۵	۰/۴۷۷	۹/۳۶	۰/۰۰۰
	۱	میزان دینداری	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۰۱۸	۰/۲۴	۰/۵۰	۱۳/۹۰	۰/۰۰۰
	۲	رسانه‌ها	۰/۵۴	۰/۲۹	۰/۲۸۹	۰/۰۳۵	۰/۱۳	۰/۱۴	۳/۸۴	۰/۰۰۰
کل										
			Sig=۰/۰۰۰	F=۱۱۲/۹۹	Adj R ² =۰/۲۸۹		R ² =۰/۲۹	R=۰/۵۴	A=۱۸/۵۴	
		بانه	Sig=۰/۰۰۰	F=۲۵/۳۹	Adj R ² =۰/۱۶۷		R ² =۰/۱۷۳	R=۰/۴۲	A=۵۲/۷۶	
		قروه	Sig=۰/۰۰۰	F=۸۷/۶۵	Adj R ² =۰/۲۲۵		R ² =۰/۲۲۷	R=۰/۴۸	A=۵۹/۷۱	

بحث و نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری در دو شهر مذکور نشان می‌دهد که میانگین مسئولیت‌پذیری در شهر بانه بیشتر از شهر قروه است. به نظر می‌رسد یکی از علل این امر آن است که در شهر بانه افراد هم از لحاظ قومیت و هم از لحاظ مذهب نسبت به شهر قروه یکنواخت‌تر بوده، به دلیل این دو شاخصه و ویژگی مشترک بین خودشان احساس همدلی و نزدیکی و تعلق گروهی بیشتری به

پژوهش حاضر، با هدف مقایسه رابطه بین عوامل فرهنگی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان در دو شهر بانه و قروه، انجام گرفت. در این پژوهش از بین عوامل فرهنگی، متغیرهای قومیت، جنسیت، نوع مذهب، میزان تحصیلات والدین، میزان استفاده از انواع رسانه‌ها و میزان دینداری در ابعاد مختلف آن بررسی شد. مقایسه

وضعیت اشتغال مادران این رابطه را تحت تأثیر قرار داده باشد که برای بررسی آن نیازمند انجام تحقیقات دیگری هستیم. داده‌های توصیفی نشان می‌دهد که تحصیلات مادران در شهر قروه بالاتر از تحصیلات مادران در شهر بانه است و تحصیلات به عنوان شاخصی که هم می‌تواند ساخت قدرت در خانواده و هم اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد، در خور توجه است. از طرف دیگر، سبک فرزند پروری نیز که بر روی مسؤولیت‌پذیری فرزندان تأثیر دارد، از تحصیلات والدین تأثیر می‌پذیرد.

یکی دیگر از متغیرهای فرهنگی که در این پژوهش بررسی شد، میزان دینداری نوجوانان است. این متغیر به همراه ابعاد چهارگانه آن (اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی) در هر دو شهر دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته گردیده است. با توجه به این یافته‌ها به نظر می‌رسد که در جامعه ما اعتقادات و ارزش‌های مذهبی نقش مهمی را ایفا نموده، به عنوان نیروی نظارت‌کننده بر رفتار افراد جامعه عمل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد کسانی که میزان دینداری بالاتری دارند، از میزان مسؤولیت‌پذیری بیشتری برخوردارند. نکته در خور توجه این است که با در کنار هم قرار دادن این یافته و یافته قبلی در مورد تحصیلات و همچنین، رجوع به جدول رگرسیون گام به گام، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسؤولیت‌پذیری بیشتر از آنکه تحت تأثیر تحصیلات باشد، از میزان دینداری تأثیر می‌پذیرد. لذا با توجه به این که در دین اسلام توجه زیادی به مسؤولیت‌پذیری افراد در خانواده و اجتماع شده است و آموزه‌های بساری در این باب وجود دارد، تبلیغ و تقویت آموزه‌های دینی در بین نوجوانان می‌تواند به مسؤولیت‌پذیری بیشتر آنها کمک کند. مقایسه قدرت تبیین‌کنندگی ابعاد مختلف دینداری در رابطه با مسؤولیت‌پذیری افراد، نشان‌دهنده آن است که به ترتیب ابعاد تجربی، پیامدی، مناسکی و در نهایت اعتقادی پیش‌بینی‌کننده قویتری برای متغیر وابسته

هم دارند. در چنین شرایطی افراد خود را نسبت به یکدیگر و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، بیشتر مسؤول می‌دانند و به همین علت احساس مسؤولیت‌پذیری در میان آنها قویتر است، اما در شهر قروه در مقایسه با شهر بانه، به علت عدم یکنواختی قومی و دینی ممکن است در شهر چند دسته بودن و جدایی هرچند ضعیفی وجود داشته باشد و لذا موجب گردیده که میانگین مسؤولیت‌پذیری این شهر به نسبت بانه پایین آمده باشد. مقایسه میزان مسؤولیت‌پذیری در میان دو قوم کرد و غیرکرد و همچنین بین شیعه و سنی، نشان‌دهنده میانگین بالاتر این متغیر در میان کردها و سنی‌هاست. چون کرد بودن در مقایسه با غیرکرد بودن و سنی بودن در مقایسه با شیعه بودن آزمون شده که دو ویژگی غالب کشور ایران است، لذا امکان دارد که شیعه‌ها و غیرکردهای ساکن در این دو شهر کردستان، هویت خود را با گروه بزرگتر (جامعه) گره بزنند و احساس مسؤولیتشان نسبت به مردم آن شهرها کمتر باشد، درحالی که سنی‌ها و کردهای ساکن در کردستان این استان را متعلق به خودشان قلمداد کرده، نسبت به آن احساس مسؤولیت بیشتری نمایند. البته تأیید این موضوع به مطالعات گسترده‌تری نیاز دارد که از حیطه این پژوهش خارج است و به عنوان پژوهش آتی، انجام آن پیشنهاد می‌شود.

نتایج آزمون تفاوت میانگین میزان مسؤولیت‌پذیری در میان دو جنس، نشان می‌دهد که بین زنان و مردان از لحاظ این شاخص، تفاوتی وجود ندارد. در مورد رابطه تحصیلات والدین و میزان مسؤولیت‌پذیری نوجوانان، نتایج بررسی حاکی از آن است که در هر دو شهر مذکور، تحصیلات پدران با مسؤولیت‌پذیری نوجوانان رابطه ندارد، اما تحصیلات مادران تنها در شهر قروه با میزان مسؤولیت‌پذیری آنها رابطه دارد. با توجه به این رابطه مسؤولیت‌پذیری با تحصیلات مادران در شهری تأیید و در شهر دیگر رد شده است، به نظر می‌رسد عوامل دیگری مثل ساخت قدرت در خانواده و یا

هستند.

در مورد رسانه‌ها نیز نتایج حاکی از آن است که از بین رسانه‌های جمعی و رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید، تنها رسانه‌های جمعی با مسؤولیت‌پذیری نوجوانان در هر دو شهر دارای رابطه است. با توجه به ماهیت برنامه‌هایی که در این رسانه‌ها پخش می‌شود و تفاوت میزان و نوع استفاده مخاطبان از هر کدام از آنها، این احتمال وجود دارد که برنامه‌هایی که در رسانه‌های جمعی داخلی پخش می‌شود، به علت تقویت همدلی و تعلق درون گروهی و حساسیت افراد نسبت به مسائل داخلی، بتواند مسؤولیت‌پذیری افراد را تقویت نماید، اما فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید بیشتر در راستای فراملی عمل می‌کنند و بسیار تحت تأثیر نوع استفاده مخاطبان از آنها قرار دارند. با توجه به این که نمونه مورد مطالعه ما نوجوانان هستند، به نظر می‌رسد نوع و میزان استفاده آنها از اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطی جدید تأثیر چندانی در کاهش یا افزایش مسؤولیت‌پذیری آنها نداشته است. میزان استفاده از کل رسانه‌ها نیز با متغیر وابسته در هر دو شهر رابطه دارد. نتایج تحلیل چند متغیره نیز بر قدرت تبیین‌کنندگی بیشتر دینداری و رسانه‌ها در مسؤولیت‌پذیری نوجوانان تأکید دارد. از نظر باندورا، در جوامع امروزی، رسانه‌های گروهی نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتارها و نگرش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. از لحاظ اثر بخشی الگوهای رسانه‌ای و نیز مواجهه گسترده عموم با آن، می‌توان گفت که بسیاری از رفتارها از طریق توجه و سپس الگوپذیری تلویزیونی فراگرفته می‌شود. لذا مسئولان رسانه‌های جمعی باید به این مسأله توجه بیشتری نموده، برای تقویت مسؤولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان، با برنامه‌ریزی‌های مناسب از قابلیت‌های رسانه‌های ملی استفاده نمایند.

با توجه به تأیید اکثر متغیرهای فرهنگی در ارتباط با مسؤولیت‌پذیری نوجوانان، می‌توان گفت که عوامل

محیطی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری و تعدیل رفتارهایی مانند مسؤولیت‌پذیری در افراد بر عهده داشته باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد ضمن انجام تحقیقات گسترده در این زمینه، عوامل مؤثر و مرتبط با مسؤولیت‌پذیری شناسایی و با توجه به اهمیت آن برای جامعه، تقویت گردد.

منابع

انیسی، جعفر؛ مجدیان، محمد؛ جوشن لو، محسن و زهرا گوهری کامل. (۱۳۹۰). «بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نشو در دانشجویان»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۵، ش ۴، صص ۳۵۱-۳۵۵.

ایزدی، صمد؛ شمامی عزیز. (۱۳۸۸). «ضرورت برخوردارداری دانشجویان از دانش شهروندی و مسؤولیت‌پذیری اجتماعی در فرآیند جهانی شدن». *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۶۰-۸۳.

ایمان، محمد تقی؛ مرادی، گلرمد و وجیهه جلائیان. (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط بین مسؤولیت اجتماعی جوانان و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر مشهد)». *مطالعات امنیت اجتماعی*. جدید (۲۴): ۱۱۷-۱۳۹.

بهتوتی، لادن. (۱۳۸۶). «مشارکت و مسؤولیت‌پذیری در پرتو فعالیت‌های غیر رسمی»، *رشد معلم*، ش ۸، صص ۴۵-۴۷.

حریری، فاطمه. (۱۳۸۶). «مقایسه احساس گناه، بلوغ اجتماعی و مسؤولیت‌پذیری بین نوجوانان بزهکار و عادی شهر اهواز»، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

خورشیدی، عباس؛ ایزدی، مهشید و زهرا جبل عاملی فروشانی. (۱۳۸۷). «تأثیر نقش الگویی خانواده بر پرورش مسؤولیت‌پذیری و رشد اجتماعی و

کلانتری، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول و سیروس احمدی. (۱۳۸۶). "بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل موثر بر آن"، *دانشور رفتار*، سال چهاردهم، ش ۲۲، ص ۲۷-۳۵.

گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). *رویکرد نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت)*، تبریز: نشر دانیال و جامعه پژوه.

مرادی، گلمراد؛ بوستانی، داریوش و محمدرضا همتی فر. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سلامت روانی مهاجران (مورد مطالعه: شهر طبس)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۵، ص ۱۴۹.

موحد، مجید؛ محمد دلبری. (۱۳۸۳). «دینداری سنتی و نگرش نسبت به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز»، *دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال اول، ش ۳، صص ۱۱۷-۱۴۴.

هدایتی، بنت‌الهدی؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ آکوچکیان، احمد؛ بهرامی، فاطمه و عذرا اعتمادی. (۱۳۸۷). «شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان»، *معرفت*، سال هفدهم، ش ۷ (پیاپی ۱۳۰)، صص ۶۳-۷۳.

Bandura, A. & Walters, R.H. (1964) *Social Learning and Personalty Development*, Holt, Rinehart & Winston, Inc. New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood cliffs.

Bandura, A. (1973) *Aggression: A Social Learning Analysis*, New Jersey, Prentice Hall, Inc. Englewood Cliffs.

Betz, Nancy E. (2007) "Career Self-efficiency: Exemplary Recent Research and Emerging Directions". *Journal of Career Assessment*, 15: 403-422.

Cecchini, J. A et al (2007) "Effects of personal and social respansibility on fair play in sports and self-control in school aged

عاطفی نوجوانان تهرانی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۱۵، شماره پیاپی: ۱۵-۱۴، ص ۲۰۷. رمضانی دیسفانی، علی. (۱۳۸۰). «اثر بخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه گلاسز بر افزایش بحران هویت دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

رنجبریان، رسول؛ موسی پور، نعمت‌الله و محمد قزل ایاق. (۱۳۸۴). «رابطه بین عزت نفس و نیاز به کسب موفقیت کارکنان سازمان‌های دولتی»، *مطالعات مدیریت*، ش ۴۸، صص ۸۵-۱۰۲. سبجانی نژاد، مهدی و هاشم فردانش. (۱۳۷۹). «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی مدارس ابتدایی ایران»، *مدرس*، دوره ۴، ش ۱، ص ۹۵-۱۱۴.

سعادت‌شامیر، ابوطالب و زینب زحمتکش. (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر آموزش راهبردهای ان.ال.پی بر میزان سلامت روان و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان شهر بجنورد»، *پژوهش‌های تربیتی*، ش ۸، صص ۶۳-۷۷.

سهیلی، هرمز. (۱۳۸۷). «رابطه خود شکوفایی با مسئولیت‌پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات اهواز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاداسلامی واحد اهواز.

شارف، ریچارد اس. (۱۳۸۱). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی*، ترجمه: مهرداد فیروز بخت، تهران: رسا.

فرامرزی قراملکی، احد و رستم نوچه فلاح. (۱۳۸۶). *موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها*، تهران: موسسه فرهنگی دین پژوهی بشری.

کردلو، منیره. (۱۳۸۷). «مسئولیت‌پذیری نوجوانان دبیرستانی در خانه و مدرسه»، *مشاور مدرسه*، دوره ۴، ش ۱.

- Practice”, *Journal of Business Ethics* (2008) 82:213–231.
- Lin, Non (1976) *Foundation of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- Lyons E. M. (2005) “*The Effects of a Leadership and Diversity Awareness Program on Adolescents’ Attitudes and Behaviors*”, PHD Dissertation, University of South Florida.
- Maruyama, G. Fraser, S.C. Miller, N. (1982) “Personal Responsibility and Altruism in Children”, *Journal of Personality and Social Psychology*, 42 : 659-664 .
- Menzies R. G. Harris L. M. Cumming S. and Einstein D. A. (2000) “The Relationship between Inflated Personal Responsibility and Exaggerated Danger Expectancies in Obsessive -Compulsive Concerns”, *Behaviour Research and Theory* , Vol. 38, p:1029-1037.
- Mergler, A. Spencer, F. M. and Patton W. A. (2007) “Relationships between Personal Responsibility, Emotional Intelligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults”, *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, Vol.24, No.1, p: 5-18.
- Randolph, S. W. (2008) “The Role of Altruistic Behavior, Empathetic and Social Responsibility Motivation in Blood Donation Behavior”, *Transfusion*. Vol. 48, pp.43-54.
- Slote, Michael. (2010) Sentimentalist Moral Education, *Theory and Research in Education*, Volume 8 (2): 125 .
- Sterponi, Laura. (2009) "Accountability in Family Discourse: Socialization into Norms and Standards and Negotiation of Responsibility in Italian Dinner Conversations". *Childhood* 16: 441.
- Trainer, T. (2005). “Social Responsibility: the most Important and Neglected, Problems of all?” *International Journal of Social Economics*. Vol. 3, No. 8, pp. 682-703.
- Wentzel, K. R. (1991) “Social Competence at School: Relation between Social Responsibility and Academic Achievement”. *Reviewed Educational Research*. Vol. 61, pp. 1-24.
- youth”. *European journal of sport science*. Vol.7 , issue.4, pp203-211.
- Escarti, A. Gutierrez, M. Pascual, C. and Marin, D. (2010) “Application of Hellison’s Teaching Personal and Social Responsibility Model in Physical Education to Improve self-Efficacy for Adolescents at Risk of Dropping-out of School” *The Spanish Journal of Psychology*, Vol.13, No.2, p:667-676.
- Ford, M.E. (1985) “Social Cognition and Social Competence in Adolescence”. *Developmental Psychology*. Vol.18, pp. 328-340.
- Garria, Elizabeth and Mele, Dome’sc (2004) “Corporate Social Responsibility Theories: Mapping the Territory”, *Journal of Business Ethics*. 53: 51-71.
- Glenn, H.S. & j. Nelson, (1988) Raising Self-Reliant Children in a Self-Indulgent World: Seven Building Blocks for Developing Capable Young People. Rocklin, CA, prima and communications
- Glock C.Y and Stark (1965) *The Dimensions of Religiosity: Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally
- Gunnoe Marjorie Lindner, Hetherington Mavis E. and David Reiss. (2004) "Parental Religiosity, Parenting Style, and Adolescent Social Responsibility". *The Journal of Early Adolescence* 1999 19: 199.
- Heijden, Angela van der, Driessen, Peter P.J and Cramer M. (2010) "Making sense of Corporate Social Responsibility: Exploring organizational processes and strategies", *Journal of Cleaner Production*, 18, 1787-1796.
- Hetherington, E. M. et al. (1999) “Parental Religiosity, Parenting Style and Adolescent Social Responsibility” . *Journal of Early Adolescence*. Vol.19 ,No.2, pp 199-225.
- Hill, P. Ronald, Ainscough, Thomas, Shank, Todd and Manullang Daryl. (2007) "Corporate Social Responsibility and Socially Responsible Investing: A Global Perspective". *Journal of Business Ethics*, 70:165–174.
- Jamali, Dima. (2008) “A Stakeholder Approach to Corporate Social Responsibility: A Fresh Perspective into Theory and